

مطالعه‌ی تطبیقی بازنمایی کردها در رمان‌های فارسی

پساانقلاب: ۱۳۷۰-۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۸

دکتر عرفان رجبی^۱

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان

چکیده

زندگی اقوام ایرانی و به ویژه کردها در قلمرو سرزمینی ایران و مشارکت احتمالی آنها در ایرانی‌سازی/ ایرانی شدن در وجوه گفتمانی و غیرگفتمانی (سیاست، اقتصاد، فرهنگ) تبلور یافته است. این تبلور در رمانهای فارسی احتمالاً بر دو گونه است: یا رمان‌های فارسی به طور نسبی و در مقاطع مختلف و بنا بر تمایل نویسنده اقدام به بازنمایی کردها کرده‌اند و یا اینکه آنها فاقد کمترین بازنمایی کردها هستند. برای راستی‌آزمایی این فرضیه‌ها، پژوهش حاضر به بررسی رمانهای فارسی نوشته شده و برگزیده در طول سه دهه ۶۰-۷۰، ۷۰-۸۰ و ۸۰-۹۰ پرداخت. از آنجایی که حجم جامعه آماری بیشتر از ۱۲۰ رمان بود، پژوهشگر اقدام به نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک کرده و سپس آنها را تحلیل محتوایی نمود. نتایج حاصله از پژوهش نشان داد که بازنمایی کردها در ادبیات داستانی معاصر ایران و در تعاملات فرهنگی-اجتماعی بین افراد ساکن قلمرو سرزمینی مشترک و در سپهر تخیل-اندیشه-عاطفه نویسندگان یا انواع گفتمانهای نویسندگان ایرانی پس از انقلاب حداقلی است. این پژوهش می‌تواند برای نقد و نظریه ادبیات داستانی ایران، ادبیات کردی و مهندسی سیاستهای فرهنگی کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رمان‌های فارسی، بازنمایی، کردها، نویسندگان ایرانی، پساانقلاب.

۱- مقدمه

ادبیات از مهم‌ترین و ماندگارترین عناصر فرهنگی هر جامعه است. ادبیات آینه و پژواک رویاها، کابوس‌ها، امیدها، ترس‌ها، مواضع اخلاقی و ناکامی‌های یک ملت است. ادبیات حتی در آنجا هم که سکوت می‌کند حرف می‌زند؛ به عبارت دیگر، فقدان‌ها و غیاب‌ها نیز بیانگر و تصویرگر زبانی هستند (Schlant، ۱۹۹۹: ۳). در واقع، ادبیات هر قوم بخشی از زبان و فرهنگ آن قوم را در بر می‌گیرد... ادبیات با ساختار حیات جمعی و تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز ارتباط دارد (گروه پژوهشگران پژوهشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۲: ۵).

ادبیات داستانی از جمله رمان و داستان کوتاه در ایران از دوران مشروطه و به ویژه به خاطر نهضت ترجمه رشد و نمو پیدا کرد، اما در دهه‌های بعد نویسندگان ایرانی تلاش نمودند تا این دو گونه‌ی ادبی را هر چه بیشتر بومی سازند. در خصوص پیشینه تاریخی ادبیات داستانی در ایران گفته می‌شود که عوامل سیاسی، تاریخی و اجتماعی همچون انقلاب مشروطه، روزنامه‌نگاری، تأسیس دارالفنون در تهران در ۱۸۵۱ میلادی، ارائه افکار نوین آموزشی از سوی ایرانیان و اروپاییان، افزایش اعزام دانش‌آموزان به فرنگ و افزایش تعداد تحصیلکرده‌های فرنگ‌رفته و همراه با آن افزایش تعداد مترجمان علمی و ادبی و رشد تعداد و گستره روزنامه‌ها همه و همه تأثیری مستقیم بر رشد ادبیات داستانی داشته‌اند (بهبهانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۱).

به نوشته‌ی یکی از منتقدین ایرانی رمان فارسی اکنون عمری یکصد ساله دارد. در آغاز رمان تاریخی بود و پس از تحولات ناشی از جنبش مشروطه رمانهای اجتماعی نیز شکل گرفت و بعد در دهه‌های اخیر رمانهایی به سبک مدرن به نگارش در آمدند (دستغیب، ۱۳۷۴: ۱۴۱). وی می‌افزاید که «کار رمان و دیگر هنرهای کلامی کشف منطق متضاد و غامض واقعیت‌های تو در توی اجتماعی و بیان عواطف و اندیشه‌های ژرف مردمان در دوره معین تاریخی است (همان: ۱۴۵).

۲- ضرورت پژوهش

از زمان عرضه‌ی اولین رمانهای فارسی در ایران، خوانندگان ایرانی از ادبیات داستانی مانند رمان و داستان کوتاه استقبال فراوانی کرده و موجبات گسترش این گونه‌های ادبی را فراهم نموده و بنابراین نویسندگان بیشتری به رمان نویسی روی آورده‌اند.

رمان‌نویسان نیز در مقام تولیدکنندگان این گونه تولیدات فرهنگی توانسته‌اند و می‌توانند در تثبیت و تغییر معنا در طیف خوانندگان و جامعه‌ی ایران نقشی مهم ایفا نمایند. به عبارت دیگر، رمان‌نویسان صرفاً به کشف و بازتاب واقعیت یا امر واقع نپرداخته‌اند بلکه در برساخت واقعیت‌های اجتماعی نیز سهیم هستند. افزون بر ادبیات و رمان، همان‌طور که دیوید لی می‌نویسد، حتی زبان هم تا حدودی در ساختاربخشی به تجربیات ما دخیل است (Lee، ۱۹۹۲: ۲۱).

با توجه به انتشار تعداد زیاد رمان‌ها در سال‌های پس از انقلاب در ایران توسط نویسندگان نام‌آشنا و معاصر و کندوکاو آنان در دغدغه‌های روانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شخصیت‌های آثار داستانی خود، و ارائه‌ی گستره‌ای از موضوعات و مسائل گوناگون در تاریخ معاصر ایران، به نظر می‌رسد که مجموعه‌ی این آثار می‌توانند در مقام داده‌های قابل تحقیق و پژوهش تلقی گشته و زمینه‌ی مناسبی را در اختیار محققان برای بررسی تحولات معاصر ایران قرار دهند. از طرف دیگر، رمان همچون یک تولید فرهنگی و هنری ماندگار و تأثیرگذار می‌تواند در ایجاد یا رفع ذهنیتهای گوناگون در افراد نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین بررسی رمان برلی سنجش و تشخیصی حرکت جامعه یک ضرورت است. همان‌گونه که هانا آرنست می‌گوید جامعه‌ی ملت در دنیای معاصر «ترکیب هیبریدی جالبی است که در آن علایق و منافع خصوصی اهمیت عمومی پیدا می‌کنند» (نقل از: هومی بابا، ۱۹۹۰: ۲).

۳- بیان مسأله

با لحاظ تعدد و تنوع رمان‌های منتشره در سال‌های پس از انقلاب، نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود اینست چه موضوعاتی از بین افراد، اشیاء، پدیده‌ها، اقوام، مذاهب، مکان‌ها بیشترین و کمترین بازنمایی را در رمان‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

به طور مشخص‌تر، با توجه به رخداد‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی پس از انقلاب در ایران و کردستان و به تبع آن جو حاکم بر فضای فرهنگی در ایران و در کردستان و آبشخورهای فکری و فرهنگی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کردها در منظومه‌ی فکری و اندیشگانی و تخیل رمان‌نویسان ایرانی قرار گرفته‌اند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا کردها بخشی از تخیل نویسنده را به خود اختصاص داده‌اند؟

آیا کردها بخشی از رخدادهای اتفاق افتاده برای خود نویسنده هستند یا او از زبان دیگران در مورد آنها شنیده یا خوانده است. این پژوهش در پی بررسی مسئله‌ی بازنمایی کردها در رمانهای فارسی مطرح در سالهای پس از انقلاب است.

۴- چهارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر ابزار تحلیل مفهوم بازنمایی^۱ است. اگرچه بازنمایی در ادبیات تاریخ مفصلی و ظاهراً معصومی دارد، اما «بازنمایی مسئله‌ای سیاسی است» (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۳۷۲) چراکه به قول استیوارت هال کردارهای بازنمایاننده بی هدف و تصادفی نیستند، بلکه بخشی از «سیاست بازنمایی» اند که در میان گروهها و در بین فرهنگها مبارزه‌ای بر سر معنا بخشیدن در جریان است (نقل از: میپلز، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

یکی از ابزارها و روش‌های تحقیق در بازنمایی و معناها، تحلیل متنی است که ما را در دستیابی به درکی عمیق‌تر از جهان متن و معناهای آن یاری میکند (همان: ۱۲۹). پژوهش در باب بازنمایی به پژوهش در فرهنگ و مسئله‌ی زبان، بازنمایی و گفتهمان پیوند می‌خورد. پژوهش در فرهنگ عموماً بر خوانش متن استوار است چون متن یک ساخته فرهنگی بشری است (همان: ۹۶).

۵- داده‌های پژوهش

برای بررسی بازنمایی کردها در ادبیات داستانی پساانقلاب، تعداد ۱۲۰ رمان مطرح فارسی که توسط بنیادها، انجمن‌ها و منتقدین مورد تقدیر و تحسین قرار گرفته بودند انتخاب و شماره گذاری شدند. در مرحله بعد رمان‌ها بر اساس سال انتشارشان به سه گروه تقسیم شدند: رمانهای دهه ۷۰-۸۰؛ رمانهای ۸۰-۹۰ و رمانهای ۹۰-۹۳. در مرحله‌ی سوم و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و با نسبت ۶/۱ و بر مبنای عدد تصادفی ۵ از میان رمانهای دهه‌های سه گانه بالا، ۲۰ رمان مورد نظر انتخاب گردید (۳ رمان از ۷۰-۸۰؛ ۱۳ رمان از ۸۰-۹۰ و ۴ رمان از ۹۰-۹۳). سپس رمانهای منتخب بر اساس مفهوم تحلیلی بازنمایی مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند.

۶- یافته‌های پژوهش

از میان رمان‌های منتخب تنها تعداد بسیار معدودی و آن هم به صورت گذرا به کردها اشاراتی داشته‌اند. این رمان‌ها عبارتند از:

به هادس خوش آمدید نوشته بلقیس سلیمانی که بار اول در سال ۱۳۸۸ منتشر و در سال ۱۳۹۰ چاپ سوم آن به بازار آمد. این رمان به روایت زندگی رودابه دختر جوان دانشجوی اهل یکی از روستاهای کرمان می‌پردازد که برای ادامه‌ی تحصیل به دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌رود. زمان ماجراها و رخدادها حول و حوش سالهای ۵۷-۶۰ بوده و رودابه در تهران و در منزل یوسف خان یکی از مردان طایفه‌ی شیخ‌خانی مورد تعرض وی قرار می‌گیرد. رودابه به همراه چند دانشجوی دختر روانه‌ی جبهه‌های جنوب می‌گردد و در این اثنا وارد شهر کرمانشاه (در رمان باختران آمده است) و مناطق کردنشین شده، و با پیشمرگان مسلمان کرد آشنا می‌گردد. در رمان، کردها همچون افراد یاری رسان و خیر و پاکدامن به تصویر درآمده‌اند. همچنین در صفحه‌ی ۹۵ رمان، رودابه به یاد خاطرات بهرام پسر نصرت‌الله خان می‌افند که او به اسارت گروهکهای ضد انقلاب در کردستان درآمده بود و پس از هشت ماه آزاد می‌شود.

علائم حیاتی یک زن اثر مشترک فرزانه کرم‌پور، لادن نیکنام و مهناز رونقی در سال ۱۳۸۹ در سه بخش نوشته شده است. عناوین سه بخش آن عبارتند از: بخش اول تحت عنوان «میترا» نوشته‌ی فرزانه کرم‌پور؛ بخش دوم با نام «سروناز» نوشته‌ی لادن نیکنام و بخش پایانی با عنوان «ترلان» با قلم مهناز رونقی. مکان رخدادها بیمارستانی است در شهر تهران. در بخش سوم رمان، یکی از شخصیت‌های رمان دکتر نیازی اهل سنندج است که هر از گاهی دل‌تنگ دیارش می‌شود و با نگاه به تابلوهای نقاشی کشیده شده توسط «ترلان»، پرستار جراحی، شخصیت محوری داستان کمی از بار اندوهش سبک می‌گردد. دکتر نیازی رو به ترلان می‌گوید «حیفه، بکش، من هر وقت دلم هوای سنندج رو میکشه به کوهایی که تو برام کشیدی نگاه میکنم و دل‌تنگیم کم می‌شه» (کرم‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۷۳). همچنین در همان بخش پایانی یکی از بیماران بیمارستان، زنی است که چیزهایی را به کُردی می‌گوید ولی کسی نمی‌فهمد. تنها «دکتر سپهر» که سربازی‌اش را در کرمانشاه گذرانده قادر به فهم زبان زن کرد است. دکتر سپهر در پاسخ به «ترلان» که زن کُرد

چه چیزی را زرمزه کرد میگوید «کردها عاشق موسیقین و زن‌هام اکثراً می‌خونن» (همان: ۴۵۰). زن‌گرد که توسط ترلان در بیمارستان موقتاً «فریبا» نامیده میشود شروع به خواندن لالایی می‌کند و وازگان لالایی عیناً در رمان نقل شده‌اند. راوی می‌افزاید که این لالایی مادران «سنندجه» (همان: ۴۸۸) است. در ادامه مردی بلند قد، با شانه‌های پهن و ابروهای پرپشت همراه دکتر کیا به بالین «فریبا» می‌آیند و مرد «فریبا» را «نشمیل» صدا می‌زند. این مرد نیز اهل سنندج است و کارش هم «تدریس ردیف‌های آواز» (همان) است. تهران، شهر بی‌آسمان نوشته‌ی امیرحسین چهل‌تن توسط موسسه‌ی انتشارات نگاه در سال ۱۳۸۰ روانه‌ی بازار گردید. این رمان به روایت زندگی «کرامت» شخصیت محوری می‌پردازد که در اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی ایران در دوران سلطنت پهلوی تا سالهای پس از انقلاب درگیر می‌شود. در این رمان از کرمانشاه و پهلوانان آنجا نیز نام می‌برد. اما در صفحه‌ی ۹۸ رمان پس از ردیف کردن ویژه‌گیهای اقوام ایرانی و ساکنان شهرهای مختلف ایران، در بازنمایی کردها به گفته‌ی کلیشه‌ای در مورد کردها بسنده می‌کند. راوی از کردها به عنوان «جان‌گردی می‌کنند» یاد می‌کند اما در سایر رمان‌ها نشانی از بازنمایی کردها و فرهنگ آنها به دست نیامد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان ۲۰ رمان برتر فارسی ایرانی فقط سه رمان به طور مشخص از کردها ذکری به میان آورده‌اند. به عبارت دیگر، تنها ۱۵٪ از مجموع رمان‌ها به کردها پرداخته‌اند. از سه رمان فوق نیز بازنمایی کردها به سمت نوعی گفتمان حرکت می‌کند یا حرکت کرده است. زمانی بازنمایی تبدیل به گفتمان میشود که بازنمایی‌ها سویی‌ی ساخت‌دهنده یا ساختاربخشی پیدا می‌کنند و شیوه‌هایی از اندیشیدن را ممکن و مقدور ساخته و شیوه‌های دیگر را منع می‌کند (مکی‌کی، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

در رمان به هادس خوش آمدید بخشی از بازنمایی‌ها بر اساس شنیده‌هاست به طوری که «رودابه» شخصیت اصلی در فلاش بکی به خاطرات «بهرام» که زمانی اسیر گروهک‌های کرد ضد انقلاب بوده، نمی‌تواند فرق بین به اصطلاح کومله یا دمکرات را تشخیص و در رمان گفته می‌شود که «در یکی از همین کمین‌ها به اسارت نیروهای کومله یا دمکرات در آمده بود» (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

در رمان علائم حیاتی یک زن درهم رونده‌گی بازنمایی و گفتمان مشخص‌تر

است. در بخش سوم رمان با عنوان «ترلان»، به قول دکتر سپهر «کردها عاشق موسیقین و زن‌هام اکثراً می‌خونن». این جمله هم در سطح نحوی و هم در سطح واژگانی، جمله‌ای خبری مطلق^۱ و فاقد هرگونه فعل وجه‌نمای محسوب می‌گردد. این نوع جملات به نظر سیمپسون «غیرقابل مذاکره» (کرم‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۵). هستند و به عبارت بهتر، همچون «حقیقت» می‌نمایانند. بر اساس این جمله «همه‌ی» کردها فارغ از آموزش، سوابق خانواده‌گی، تمایلات شخصی، باورهای دینی و... عاشق موسیقی‌اند. در رمان تهران، شهر بی آسمان اوج بازنمایی گفتنایی به چشم می‌خورد و شاهد این مدعا نیز ذکر گفته‌ی مشهورست که «کردها جان‌گردی می‌کنند».

اهمیت بازنمایی در آثار داستانی زمانی مشخص می‌گردد که به یاد داشته باشیم که بازنمایی‌ها صرفاً بازتاب‌دهنده‌ی فرهنگ‌هایی نیستند که در آنها حک شده‌اند، بلکه همچنین سازنده‌ی فرهنگ هم هستند (میلز، ۱۳۸۶: ۱۱۶). مهم‌تر آنکه، بازنمایی‌ها، به حیث بازنمودگری‌شان، بخشی از نوشتن و بازنوشتن جهان‌اند (همان). در بازنمایی کردها در سه رمان فوق، کردها در سه حوزه‌ی جنگ، موسیقی و سخت‌جانی و سخت‌کوشی و مقاومت محدود مانده‌اند.

۷- بحث و بررسی

دلایل نبود یا حضور کم‌رنگ کردها در رمان‌های فارسی:

اکثر تولیدکنندگان رمان‌های مطرح فارسی غیر کرد هستند و بنابراین در نوشتن یا بازنویسی دنیای داستانی‌اشان، کردها در منظومه‌ی تخیل و واقعیت آنها قرار نگرفته و بنابراین پدیدار نمی‌گردند.

ضرورت مرزنشین بودن کردها و جایگاه پیرامونی آنها به لحاظ جغرافیایی، تعامل بسیار محدودی بین کردها و سایر کنشگران فعال در عرصه‌های مختلف ایران وجود دارد.

کردها نتوانسته‌اند خود را به طور مستمر، قدرتمندانه و سرسختانه در سپهر اندیشگانی ایرانیان جایابی و حفظ کنند.

۱- categorical assertion

۲- modal verb

این عدم توانایی یا توانایی ناکافی کردها در تحمیل خود بر منظومه‌ی فکری، عاطفی و احساسی رمان‌نویسان معاصر ایرانی می‌تواند ناشی از عوامل متعدد دینی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی، زبانی و فرهنگی باشد. از طرف دیگر، در سپهر اندیشه، تخیل و عواطف بیشتر نویسندگان رمان‌های مطرح فارسی شهر و روابط اجتماعی یا همان شهر^۱ و مدنیت/ مدنی^۲ جایگاه کانونی دارد و معمولاً هم شهر تهران مکان غالب داستانهاست که در آنجا هم شاید کردها نتوانسته‌اند آن طور که شاید و باید است خود را به سطح تخیل نویسنده و گردونه‌ی هستی روابط اجتماعی موجود در تهران بنمایانند.

کردها نتوانسته‌اند به طور کافی در امر تولید، انتشار و حتی تفسیر فرهنگ در ایران - همچون میانجی فرهنگی - به خلق موقعیت‌ها بپردازند. علیرغم وقایع سالهای آغازین انقلاب ۱۳۵۷ و تلاطمات سیاسی - نظامی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی و بازنمایی رسانه‌ای آنها و وضعیت کردها و کردستان در مطبوعات ایران، به نظر می‌رسد کردها دست کم در تخیل رمان‌نویسان مدرن ایران نتوانسته‌اند لانه‌گزینی کنند. میزان و فراوانی حضور کردها در ۳ رمان از ۲۰ رمان منتخب که برابر ۱۵٪ است با واقعیات غیرگفتنی موجود در ایران نیز مطابقت دارد. به عبارت دیگر، شاخص متنی بدست آمده با شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مورد وضعیت کردها در ایران نیز هم‌خوانی دارد. به عبارت روشن‌تر، هم در دنیای بیرون از متن و در دنیای داستانی درون متن، کردها نقش بسیار بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای دارند. بیشتر رمان‌ها پیرامون موضوعات خانوادگی (مسائل زناشویی)، آموزش و پرورش، تحولات و انقلابات سیاسی - تاریخی ایران، شهر نشینان و گهگاهی روستانشینان تمرکز دارند. از قومیت‌های دیگری ایرانی از جمله آذریها، عربها، لرها هم به صورت موجز نام برده می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری

آثار خلاقه‌ی ادبی و به ویژه رمان در سالهای اخیر در ایران رشد قابل توجهی داشته‌اند. از طرف دیگر، رمان به عنوان یکی از تولیدات فرهنگی مجالی برای

۱- city

۲- urban

بازنمایی «شیوه‌ی زندگی» است. این مجال و مجرا خنثی و بی‌تفاوت نیست؛ بلکه سویه‌دارست. بازنمایی به مثابه‌ی اجزای سازنده‌ی فرهنگ به ساخته شدن ما به مثابه‌ی اجزای گفتمان کمک می‌کند. از همین رو بازنمایی با هویت نیز ارتباط دارد. به عبارت دیگر، آثار ادبی خود نوعی دانش فرهنگی محسوب می‌شوند. این دانش فرهنگی می‌تواند در بلندمدت به صورت نوعی «رژیم حقیقت» در آمده و چنانچه با قدرت هم‌دست گردد به ایجاد معنا و هویت منجر شود. در تجزیه و تحلیل بازنمایی‌ها، می‌توان از تحلیل متنی به عنوان ابزاری تحلیلی بهره گرفت. بدین منظور پژوهش حاضر به بررسی ۲۰ رمان از میان ۱۲۰ رمان برتر فارسی نوشته شده در دهه‌های ۷۰-۸۰، ۸۰-۹۰ و ۹۰-۹۳ پرداخت و میزان و نوع بازنمایی کردها را مطالعه نمود. یافته‌های پژوهش نشان داد که تنها سه رمان از کردها نام برده‌اند (۱۵٪). به نظر می‌رسد که نوع بازنمایی در این سه رمان متأثر از گفتمان‌های رایج در فرهنگ ایران در خصوص کردهاست. لازم است کردها در امر تولید یا تفسیر فرهنگ، اقتصاد، سیاست و تاریخ فعالانه‌تر برخورد نمایند تا رمان‌های فارسی به راحتی تن به زبان سکوت در مورد کردها ندهند، همان‌طور که اشاره به لالایی مادران سنندجی در رمان علائم حیاتی یک زن را می‌توان مابه‌ازای حضور موسیقی کردی (به احتمال زیاد تأثیر گروه کامکارها در تهران و، به طور کلی‌تر، رشد و شهرت موسیقی کردی در ایران) دانست.

منابع

۱. بهبهانی، سیمین و همکاران (۱۳۸۲) «پیشینه تاریخی. ادبیات داستانی در ایران زمین»: دانشنامه ایرانیکا، ویراستار: احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین. جلد نهم. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۵۱-۵۵.
۲. چهل تن، امیرحسین (۱۳۸۰) تهران، شهر بی آسمان، تهران: نگاه.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۴)، «نگاهی به رمان فارسی» بررسی رمان ایران: مجموعه سخنرانیها و مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل رمان در ایران، ویراستار حسین پاینده، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۷۵-۱۳۷.
۳. سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۸) به هادس خوش آمدید، تهران: چشمه.
۴. کرمپور، فرزانه، لادن نیکنام و مهناز رونقی (۱۳۸۹) علائم حیاتی یک زن، تهران: ققنوس.
۵. گروه پژوهشگران پژوهشکده علوم اجتماعی، (۱۳۸۲) «مقدمه»، شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. مکی کی، هیو (۱۳۸۶)، «بازپیکربندی فضا- زمان»، تحقیق در جامعه اطلاعاتی، وندی میپلز و پال رینولدز، ترجمه: رامین کریمیان. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۰۹-۱۲۴.
۷. میپلز، وندی (۱۳۸۶) «فرهنگ، بازنمایی و هویت‌ها» تحقیق در جامعه اطلاعاتی. هیو مکی کی، وندی میپلز و پال رینولدز، ترجمه: رامین کریمیان. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۰۱-۱۲۹.
۸. هام، مگی و سارا گمبل (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه مهاجر و دیگران. تهران: توسعه.

9. Bhabha, Homi (ed.) (1990). "Introduction" In Nations and Narrations. London and New York: Rutledge.

10. Lee, David (1992). Competing Discourses. London: Longman.

11. Schlant, Ernestine (1999). *The Language of Silence: West German Literature and the Holocaust*. New York: Rutledge.